



سینمای آزار

سعید عقیقی



فهرست

پیش‌گفتار	۹
♦ بخش اول ♦ دنیای هانکه	۱۳
♦ بخش دوم ♦ فیلم‌ها	۵۷
فیلم‌های تلویزیونی: خاکسترهای مدرنیسم	۵۹
هفتمین قاره: از یاد مرگ شادمان می‌شوم	۷۳
ویدیو بنی: خوک‌ها و آدم‌ها	۸۲
۷۱ قطعه از تاریخ‌نگاری یک کتاب: مرا به چشم جانی نگاه نکنید، من بی‌گناهم!	۹۰
قصر: در رؤیای کافکا	۹۷
بازی‌های مفرح: راه فراری نیست!	۱۰۳
کد ناشناخته: داستان‌های ناتمام چند سفر: چهره‌ی واقعی‌ات را نشان بده!	۱۱۲
معلم پیانو: شومان؛ پس از آدورنو	۱۲۰
زمانه‌ی گرگ‌ومیش: ما دشمن شما نیستیم!	۱۳۰
پنهان: کابوس همواره با ماست!	۱۳۷
روبان سفید: پیش‌قراولان جنگ بعدی	۱۵۴
عشق: هیولا و مهربان	۱۷۰
♦ بخش سوم ♦ تصاویری از سینمای هانکه	۱۷۷
هفتمین قاره	۱۷۹
عشق	۱۹۸
پنهان	۲۰۲
معلم پیانو/روبان سفید	۲۰۸
کد ناشناخته: داستان‌های ناتمام چند سفر	۲۱۱
بازی‌های مفرح	۲۱۹

۲۲۱.....	سبک بصری
۲۲۶.....	زندگی نامه
۲۲۷.....	منابع
۲۲۸.....	فیلم شناسی
۲۴۱.....	نمایه

پیش گفتار

«برای تان شبی آزار دهنده آرزو می‌کنم.» میساییل هانکه این جمله را پیش از نخستین اکران پنهان در جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم لندن خطاب به تماشاگران می‌گوید، اما «آزار دهنده» بی‌گمان برای بیننده‌ی هر فیلمی از او در سراسر جهان آشنا ترین کلیدواژه است. آن چه در برابر دوربین به نمایش درمی‌آورد غالباً بسیار ساده و عادی است؛ عادی بودن معقول اما نامعمول که به تدریج سبب آزار تماشاگر می‌شود. به همین دلیل، او در نظر دوست‌داران سینما میان «یکی از بهترین» و «یکی از تحمل‌ناپذیرترین» فیلم‌سازان معاصر در نوسان است. از همان نخستین فیلم‌هایش می‌توان دریافت که نشانه‌های سبک شخصی او بر تأثیر پذیری از فیلم‌سازان دیگر آشکارا برتری دارد. در مشرب فکری او نشانه‌هایی از ایدئالیسم آلمانی در فلسفه (فیخته)، اگزستانسیالیسم سارتری ریشه‌دار در فلسفه‌ی هگل، مارکسیسم غیرارتدوکسی (بنیامین آدورنو)، رماتیک‌های ادبی (گوته شیلر)، مکتب رفتارگرایی در روان‌شناسی و عناصر پایه‌ی سینمای مدرن قابل تشخیص است؛ آمیزه‌ای از باورهای متناقض که در قالب داستانی به ظاهر ساده، گاه تکه‌تکه و گاه یکپارچه، بیننده را در تنگنایی عقلانی قرار می‌دهد. او در هر نما در حال کنترل سوژه و همزمان نمایشگر مفهوم کنترل سوژه است. او به عنوان منتقد مدرنیته، جنبه‌های ذاتی خشونت انسانی و سیر دایمی آن از شکل‌های بدوی به ضوابط نظم‌یافته در دنیای مدرن را در قالب داستان‌هایی ساده می‌کاود و شگفتا که طی دهه‌ی اخیر بیشتر پیش‌بینی‌های او درباره‌ی برخورد تراژیک فرهنگ‌های متنوع و متفاوت در دل نظام‌های بدوی دیکتاتور از سویی و در دل نظام‌های پیشرفته‌ی چندفرهنگی مدرن از سوی دیگر شوربختانه به حقیقت پیوسته است. حالا مفهوم خودکشی مجید در پنهان، دیگرکشی در فیلم‌های دیگر و رخدادهای خشونت‌آمیز لاپوشانی شده توسط دولت‌ها و گروه‌های دخیل در آن به صورت امری هر روزه و قابل دسترسی در رسانه‌ها درآمده است و بی‌سبب نیست اگر «رسانه» با نفوذ و توانایی‌اش برای تغییر دنیای ذهنی مصرف‌کنندگان خود، کلیدواژه‌ی مطمئن دیگری برای راه‌یابی به دنیای او باشد.

هانکه زمانی به سینما آمد که در نقد فیلم، تئاتر، تلویزیون، فلسفه و روان‌شناسی تجربیات فراوانی اندوخته بود، اما پیش از همه شیفته‌ی سینما بود: «فلسفه خواندم اما دانشجوی خوبی نبودم، چون